

دانش و پژوهش در علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره نهم - بهار ۱۳۸۵
صص ۶۰-۲۷

مقایسه نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی بر اساس درآمد، تحصیلات و شغل

محسن گلپرو^۱ - سید حمیدرضا عریضی سامانی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی بر اساس تحصیلات، شغل و درآمد انجام شده است. گروه نمونه پژوهش ۶۰۰ نفر از زنان و مردان (۳۷۹ زن و ۲۲۹ مرد) شهر اصفهان بوده اند که بر اساس میانگین و انحراف معیار مقیاس نگرش سنج و با استفاده از فرمول حجم نمونه بر مبنای میانگین و انحراف معیار از بین ۱۰۰۰۰۰۰ شهروند اصفهانی به صورت نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شده اند. نحوه اجرای پرسشنامه به صورت میدانی (مراجعه به درب منازل) بوده است. در این پژوهش دو پرسشنامه یکی مربوط به ویژگیهای فردی - اجتماعی (سن، تحصیلات، درآمد، شغل و...) و دیگری مقیاس نگرش سنج استفاده شده است. روایی مقیاس نگرش سنج به صورت روایی صوری و محتوایی، و پایایی آن به صورت همسانی درونی بررسی و تأیید شده است. ضریب آلفای

۱- استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

۲- استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

کروناخ برای چهار بعد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی بین ۰/۷۸ (برای بعد نگرش آموزشی) تا ۰/۸۹ (بعد نگرش اقتصادی) در نوسان بوده است و آلفای کروناخ کل، ۰/۹۴ به دست آمد. پایایی بازآزمایی (با فاصله چهار هفته) بین ۰/۴۸ (برای بعد پرورشی) تا ۰/۷۱ (برای بعد اقتصادی) در نوسان بوده است. اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها از طریق ارائه میانگین، انحراف معیار و... در سطح توصیفی و آنوا (به منظور بررسی تفاوت نگرش گروه‌های درآمدی، تحصیلی و شغلی) و آزمون تعقیبی توکی (برای مقایسه دو به دو گروه‌های شغلی، درآمدی و تحصیلی پس از آنوا) مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان داد که بین نگرش در ابعاد اجتماعی و اقتصادی در بین گروه‌های تحصیلی هشتگانه تفاوت معنادار وجود دارد، ولی بین نگرش در ابعاد آموزشی، پرورشی و نگرش کلی در بین گروه‌های تحصیلی هشتگانه تفاوت معناداری به دست نیامد. آزمون تعقیبی توکی نشان داد که در ابعاد اجتماعی و اقتصادی بین نگرش گروه راهنمایی و گروه لیسانس تفاوت معنادار وجود دارد و در دیگر موارد تفاوت معنادار وجود نداشت. نتایج آنوا نشان داد که بین گروه‌های درآمدی هفتگانه در ابعاد پرورشی اقتصادی و نگرش کلی تفاوت معنادار وجود دارد، ولی در ابعاد نگرش آموزشی و اجتماعی تفاوت معناداری در گروه‌های درآمدی به دست نیامد. نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که در نگرش پرورشی بین گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان و ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج آنوا نشان داد که بین گروه‌های شغلی هفتگانه صرفاً در بعد نگرش اقتصادی تفاوت معنادار وجود دارد و در دیگر موارد تفاوت معناداری به دست نیامد. نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که بین گروه شغلی نظامی و پزشک و دامپزشک در نگرش اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود دارد.

کلید واژه‌ها: نگرش، مدارس غیرانتفاعی، نگرش آموزشی، نگرش پرورشی، نگرش اجتماعی، نگرش اقتصادی، گروه‌های درآمدی، گروه‌های تحصیلی، گروه‌های شغلی (پدران).

مقدمه

در نگاهی کلی، جوامع دنیای امروز را می‌توان نظام‌هایی به نسبت پایدار از روابط اجتماعی افراد دانست که مورد حمایت قانون، آداب، رسوم و سنت‌هاست. بر مبنای چنین دیدگاهی، هر جامعه‌ای را می‌توان متشکل از افرادی دانست که در پیوند با یکدیگر، گروه‌های اجتماعی، طبقات اجتماعی و نهادها را می‌سازند. از نظر جامعه‌شناختی، معیارهایی از قبیل شغل، درآمد، ثروت، انحصار موقعیت‌ها و دسترسی به اموال، تفوق استعدادها و ملاک‌هایی از این دست را می‌توان تا حدودی پایه‌تیین وجود طبقات و گروه‌های اجتماعی متمایز در هر جامعه دانست (گلابی، ۱۳۸۰، گلشن فومنی ۱۳۷۳). از طرف دیگر بقای هر جامعه متضمن بر آوردن نیازهای اساسی افراد آن نظیر نیازهای اقتصادی، تغذیه‌ای، زاد و ولد، آموزش و پرورش و ایجاد نظم و امنیت عمومی است. این مجموعه مسائل موجبات شکل‌گیری نهادهایی نظیر خانواده، آموزش و پرورش و... شده است. در واقع این نهادها در خدمت کارکردهایی هستند که به نوعی در خدمت بقا و بهینه‌سازی شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره هستند. بخشی از این رسالت در اغلب جوامع امروزی و دنیای مدرن، به عهده نهاد آموزش و پرورش است. در راستای همین رسالت و رسالت‌هایی نظیر پرورش استعدادها، تواناییها و دانش و اطلاعات، شخصیت و... دانش‌آموزان، در کشورهای مختلف، در چهارچوب قوانین و آیین‌نامه‌ها و به اشکال گوناگون، مدارس دولتی و غیردولتی تأسیس و اداره می‌شوند (صفوی، ۱۳۷۶؛ صفوی و همکاران، ۱۳۷۱). مدارس غیرانتفاعی به شکل کنونی آن از سال ۱۳۶۷ با تصویب مجلس شورای اسلامی وقت ایجاد شد. البته قبل از این تاریخ و به‌ویژه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مدارس وجود داشته‌اند که برای تأمین هزینه‌های خود عملاً از والدین دانش‌آموزان مبالغی را دریافت می‌کردند، ولی این‌گونه مدارس موسوم به غیرانتفاعی نبودند. به هر حال همراه با فراز و فرودهایی که این مدارس از بدو تأسیس داشتند پس از گذشت چند سال نگرش‌هایی نسبت به این‌گونه مدارس در افراد جامعه پدید آمده است. نگرش به‌عنوان یک مفهوم سه مؤلفه‌ای متشکل از شناخت (باورها و اعتقادات افراد)، عاطفه (همراهی یک احساس خاص با باور موضوع)، نگرش و رفتار (به‌عنوان آمادگی عمل نمودن به شیوه‌ای خاص بر مبنای شناخت و عاطفه نسبت به موضوع نگرش) در نظر گرفته می‌شود که تا اندازه‌ی زیادی در

سطح رفتاری، نمودهای خود را در تعامل افراد اقشار مختلف نسبت به پدیده‌های مختلف به جای می‌گذارد (می‌برز، ۱۹۹۳؛ برم و کازین، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹؛ تیلور، پیلاو و سیرز، ۲۰۰۰ و بارون و برن، ۲۰۰۰). دیدگاه‌های گسترده‌ای که حول محور مفهوم نگرش تاکنون ارائه شده، راهگشای تعیین رابطه میان نگرش نسبت به یک پدیده خاص و رفتار در مقابل آن پدیده بوده است. از میان عوامل گوناگون، عواملی نظیر تجربه مستقیم، فرایند شرطی‌سازی کلاسیک و کنشگر، الگوبرداری و سرمشوق‌گیری، مقایسه اجتماعی و حتی عوامل ژنتیک، شکل‌گیری نگرشها را از خود متأثر می‌سازند (کراسنیک و همکاران، ۱۹۹۲؛ تیلور، پیلاو و سیرز، ۲۰۰۰؛ بارون و برن، ۲۰۰۰). تنوع عواملی که منجر به شکل‌گیری نگرشها می‌شود را می‌توان متأثر از تنوع نگرشها نسبت به اشیاء، موضوعات و پدیده‌های مختلف تلقی کرد. در همین راستا نیز نظریه‌هایی نظیر یادگیری (کنریک، یوبرگ و سیالذنی، ۱۹۹۹)، همسازی شناختی و ادراک شخصی (تیلور، پیلاو و سیرز، ۲۰۰۰؛ هارمون - جونز و همکاران، ۱۹۹۶)، انتظار - ارزش (شاه و هیگینز، ۱۹۹۷) و پاسخ شناختی (رومرو، اگنیو و اینسکو، ۱۹۹۶) همه تلاش نموده‌اند تا به اشکال مختلف، نحوه شکل‌گیری و یا احیاناً شیوه‌های تغییر نگرش را شرح و تبیین کنند. براساس همین دیدگاهها و همچنین بر مبنای تحقیقات گسترده انجام شده، نگرش افراد جوامع نسبت به پدیده‌های مختلف قادر است به اشکال مختلف رفتار آنها را در مقابل پدیده‌ها از خود متأثر سازد. چنین تأثیری، تحت نفوذ عواملی نظیر نیرومندی نگرش، استواری و ثبات نگرش، دسترس‌پذیری نگرش، میزان ارتباط و پیوستگی نگرشها و رفتار، برجستگی نگرشها، نحوه استدلال در مورد نگرشهای فردی و فشارهای موقعیتی قرار دارد (کراسنیک و همکاران، ۱۹۹۳؛ پرسلین و اولتی، ۱۹۹۴؛ کراوس، ۱۹۹۵؛ بونینگر، کراسنیک و برنت، ۱۹۹۵؛ زورنیک و دواین، ۱۹۹۶؛ روزی و السون، ۱۹۹۴؛ بلاسکوچ و همکاران، ۱۹۹۳؛ اسمیت، فازبووسیکا، ۱۹۹۶). در روابط بین فردی در اجتماع معمولاً فرایند مقایسه اجتماعی یکی از عناصر بسیار مهم شکل‌گیری و یا تغییر نگرشها محسوب می‌شود. فرایند مقایسه اجتماعی در واقع تمایل افراد به مقایسه خود با دیگران برای پی بردن به این امر است که آیا نگرشها و دیدگاههای آنها در مورد واقعیات و پدیده‌های اجتماعی درست است یا نه. در این روند

به همان میزانی که دیدگاههای ما موافق دیدگاههای دیگران باشد، نتیجه می‌گیریم که تصورات و نگرشهای ما درست هستند. به دلیل کارکرد مقایسه اجتماعی است که اغلب افراد جوامع نگرشهای خود را تغییر می‌دهند تا بدین وسیله دیدگاههای خود را به دیدگاههای دیگران نزدیک کنند. ممکن است بسیاری از افراد جوامع نگرشهای خود را برحسب پاداش‌ها، یعنی هزینه‌ها و منافع مرتبط با موقعیتهای نگرشی خاص شکل بدهند. چنین دیدگاهی که در حوزه روان‌شناسی اجتماعی نگرشها به نظریه انتظار - ارزش (تیلور و همکاران، ۲۰۰۰) معروف است، مدعی است که شکل‌گیری و تغییر نگرش، فرایند وزن‌دهی به زیانها و منافع نگرشهای متعددی است که نسبت به یک موضوع نگرشی و سپس انتخاب بهترین راه‌حل‌ها وجود دارد. بنابراین افراد برحسب شرایط اقتصادی و اجتماعی خود تلاش می‌کنند تا موقعیتهایی را که بیشتر احتمال دارد به عواقب مطلوبی منجر شود برگزینند و در عوض موقعیتهایی را که بیشتر احتمال دارد به تأثیرات و عواقب نامطلوبی منجر شود طرد نمایند (شاه و هیگینز، ۱۹۹۷). در حوزه آموزش و پرورش تقسیم شدن مدارس به مدارس دولتی و غیردولتی، به اشکال مختلف واکنش‌های متعدد و نگرشهای مرتبط با این واکنش‌ها را برانگیخته است. صرف‌نظر از مبانی استدلالی وجود مدارس غیردولتی در کشورهای مختلف و ایران (حاضری، ۱۳۷۷؛ قاسمی پویا، ۱۳۸۰) ماهیت و جهتگیری نگرشی افراد مختلف از نکات بسیار مهمی است که بر موفقیت یا عدم موفقیت سیاستگذاری‌ها در این حوزه تأثیر می‌گذارد. در کشورهای مختلف مثل آمریکا، انگلستان، ماداگاسکار، فرانسه و بسیاری از کشورهای دیگر تنوع زیادی میان مدارس غیردولتی از نظر امکانات و تجهیزات، کادر علمی و مدیریتی و کیفیت ارائه خدمات آموزشی و پرورشی و... وجود دارد (قاسمی پویا، ۱۳۸۰). این تنوع یکی از عمده‌ترین دلایل دو قطبی شدن نگرشها در جهت مثبت و منفی است. به عبارتی دیگر در بسیاری از کشورها، مدارس غیردولتی با کیفیت بالا و پایین هر دو وجود دارند و این قطب‌بندی بالطبع نگرشهای مثبتی برای مدارس با کیفیت عالی و نگرشهای منفی برای مدارس با کیفیت ضعیف و پایین (حداقل در سطح آموزشی و پرورشی و نه در بعد اقتصادی و اجتماعی) را به همراه آورده است (جینگ، ۱۹۹۹؛ هادگی، ۱۹۹۷؛ بریج هاوز، ۲۰۰۱؛ موریس وسترا، ۲۰۰۱؛ لازی بیلی

و پنگتان، ۲۰۰۳). بررسی نگرشها در ایران نیز نشان می‌دهد که نوعی تنوع و چندگانگی در ابعاد آموزشی و پرورشی و همگونی نگرشی بیشتر در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نسبت به مدارس غیرانتفاعی وجود دارد (گلپور و عریضی، ۱۳۸۳). یعنی گرایش به نگرشهای مثبت نسبت به مدارس غیرانتفاعی دارای امکانات و شرایط مطلوب و نگرشهای منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی دارای کیفیت و امکانات ضعیف و نامطلوب تا اندازه زیادی در تحقیقات متعدد اشاره شده است (بابانیا، ۱۳۷۴؛ سجادی، ۱۳۷۵؛ یزدان‌پناه، ۱۳۷۷؛ کفاش، ۱۳۷۶؛ حج فروش و وثوق، ۱۳۷۴؛ شریفی، ۱۳۷۱). حتی در نگاه کلی و در تحقیقاتی که به طور کلی مدارس غیرانتفاعی از نظر نگرش در آحاد جامعه بررسی کرده‌اند، گرایش کلی نگرش آحاد جامعه نسبت به ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی و حتی نگرش کلی نسبت به این مدارس تمایل به منفی بودن نشان می‌دهد (گلپور و عریضی، ۱۳۸۳). در واقع در ایران از آغاز پیدایش مدارس غیرانتفاعی واکنش‌های متفاوتی در میان اقشار مختلف اجتماعی (بر مبنای سطح تحصیلات، درآمد و نوع شغل) نسبت به این مدارس پدید آمده است. این واکنش‌ها به اشکال متنوعی در افکار عمومی و در برخی از مطبوعات منعکس شده‌اند. برای مثال در بررسی قاسمی پویا (۱۳۸۰) و حاضری (۱۳۷۷) عمده‌ترین نگرش منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی، پیامدهای نامناسب اجتماعی و فرهنگی ذکر شده و آن را با جامعه عدالتخواه امروزی کشور ایران سازگار ندانسته‌اند. در بسیاری از تحلیل‌ها (برای مثال حیدری، ۱۳۷۴) این نظر و عقیده نیز مطرح شده که درآمد حاصل از این نوع مدارس برای وزارت آموزش و پرورش در مقایسه با نگرشهای منفی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناخوشایندی که داشته، چندان قابل توجه و توجیه نیست. حیدری (۱۳۷۴) از قول یکی از مدیران کل آموزش و پرورش نقل می‌کند که ذهنیت مردم ما نسبت به مدارس غیرانتفاعی بدبینانه است. از این رو افراد خیر از ارائه کمک و مساعدت به آنها با چنین اسمی پرهیز می‌کنند (حج فروش و وثوق، ۱۳۷۴). برخی پژوهش‌های خارج از کشور نیز نشان می‌دهد که شرایط خاص مدارس خصوصی باعث گرایش خانواده‌های دارای درآمد، تحصیلات و شغل متفاوت به این مدارس می‌شود. برای مثال فیرفلی (۲۰۰۲) نشان داده که خانواده‌های لاتینی تبار که از نظر درآمد، تحصیل و شغل

شرایط مطلوبی در امریکا دارند اغلب به دلیل بازدهی و شرایط مطلوب این مدارس تمایل به آنها دارند و در عوض گروههای قومی - نژادی که شرایط اقتصادی خیلی مطلوبی ندارند قادر به روی آوردن به این مدارس نیستند. لازمی بیلی و پنگتان (۲۰۰۳) نیز در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که در ماداگاسکار مدارس خصوصی نسبت به مدارس دولتی عملکرد بهتری دارند و از طرف دیگر خانواده‌هایی که فرزندان خود را در این مدارس ثبت نام می‌کنند، اغلب از گروههای ثروتمند هستند. این شواهد، تا حدودی گرایشهای نگرشی را نسبت به مدارس غیرانتفاعی روشن کرده، اما به طور دقیق و واضح مشخص نکرده که آیا واقعاً نگرش اقشار دارای درآمد، شغل و تحصیلات متفاوت نسبت به مدارس غیرانتفاعی در ابعاد آموزشی و پرورشی، اجتماعی و اقتصادی با یکدیگر تفاوت دارد یا خیر؟ این مسأله یعنی مشخص شدن تفاوت میان نگرشهای افراد وابسته به گروههای درآمدی، شغلی و تحصیلاتی متفاوت از چند حیث اهمیت دارد. در درجه اول ارائه خدمات آموزشی و پرورشی بدون تردید، با تعامل اقشار و طبقات اقتصادی و اجتماعی متفاوت شکلی پویا به خود می‌گیرد. در واقع چگونگی رفتار اقشار اقتصادی و اجتماعی که تا اندازه‌ای متأثر از نیازها، نظرات و نگرشهای آنها نسبت به کیفیت ارائه خدمات آموزشی و پرورشی، انتظارات آنها از حکومت‌ها و دولت‌ها در مورد چگونگی ارائه خدمات آموزشی و پرورشی و داوری آنها در باب عادلانه یا ناعادلانه بودن خدمات در گروههای متفاوت می‌باشد، روند و سیر ارائه خدمات را به نوعی جهت‌دهی می‌کند. در واقع اجماع نظر درباره ارزشها و باورها (عدالت و برابری اجتماعی و برابری فرصت‌های آموزشی و پرورشی، در میان اعضای هر جامعه‌ای) پیش شرط لازم برای هر جامعه‌ای است که به دنبال عملکرد و کارکرد مناسب و مطلوب است (ورویب و وگنر، ۲۰۰۰؛ الکساندر، ۱۹۸۵). در پارادیمی که در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی موسوم به پارادیم تعارض است، این پیش فرض مطرح است که علایق افراد در جوامع متفاوت است، چون افراد در ساختار اقتصادی - اجتماعی پایگاههای متفاوتی دارند و همین امر احتمال اینکه همه به ارزشها و عقاید و باورها و نگرشهای مشترکی پایبند باشند را کاهش می‌دهد. در واقع فرهنگ و ساختار اجتماعی به باور صاحب‌نظرانی چون وروایب و وگنر دو عامل مهمی هستند که باعث می‌شوند تا

نگرشها، ارزشها و باورها و عقاید نسبت به پدیده‌های مختلف پیرامون انسانها در جوامع با یکدیگر متفاوت باشد. در واقع بخش مهمی از ارزشهای ذهنی مبتنی بر باورها و نگرشهای اقشار مختلف طبقات اجتماعی و اقتصادی تا اندازه‌ای، متأثر از جامعه‌پذیری و یادگیری اجتماعی است، ولی در بزرگسالی بخشی از آن نیز نمودی از علایق شخصی است که در واقع پاسخی به موقعیت اجتماعی خاص هر فرد تلقی می‌شود (وگنر، ۱۹۹۲؛ وگنر و لی‌باگ، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸). در کنار این حقایق به حقیقت دیگری نیز باید اشاره کرد که در بسیاری مواقع نقل و انتقال‌های اجتماعی و فرهنگی، از تغییرات چشمگیر ساختار اجتماعی نشأت می‌گیرد (آدام، ۱۹۹۶؛ آنجل و راندز، ۱۹۹۶؛ میلانویچ، ۱۹۹۶؛ کورنیا، ۱۹۹۶؛ رات کوفسکی، ۱۹۹۷). از طرفی دیگر براساس منافع و هزینه‌هایی که عاید اقشار مختلف از جانب پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی می‌شود، ممکن است گروهی در طی تغییرات بنیادی در سیاستگذاری‌ها بیشتر منتفع شوند (کوای زر، ۱۹۹۷). بنابراین اجماع و اتفاق نظر اجتماعی، به نوعی اجرای مطلوب‌تر سیاستهای کلی را در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره فراهم می‌کند (OECD^۱، ۱۹۹۶)، با وجود اینکه ممکن است گروهی احساس نابرابری کنند (آندورکا، ۱۹۹۲؛ الستر و همکاران، ۱۹۹۸). در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و حتی اجتماعی اندیشمندانی چون وگنر (۱۹۹۹) و وگنر (۱۹۹۲)، وگنر و لای‌بیک (۱۹۹۸) باور دارند در میان جوامع نسبت به تلاشهایی که برای مقابله با تغییرات نهادینه شده اجتماعی و غیره صورت می‌گیرد، تفاوتی به چشم می‌خورد، ولی یک نکته مشترک در تحلیل‌های صورت گرفته نسبت به این مقاومتها وجود دارد، و آن اینکه آیا چنین تغییری را افراد جوامع ساختاربخشی مجدد جامعه و اجتماع و در جهت عادلانه یا ناعادلانه تلقی می‌کنند و اینکه آیا اجماع کلی در همین ارتباط می‌تواند مبنایی برای ثبات و قانونی سازی تغییرات تلقی شود؟ آنچه که در همین راستا اهمیت فراوان دارد، این است که شکاف احتمالی درباره عدالت یا برابری و حتی نابرابری در اذهان عمومی که بر اثر سیاستهای خصوصی سازی نسبی یا کامل رخ می‌دهد، منجر به ارزیابی مبتنی بر

عدالت می شود که شدیداً از نتایجی که عاید افراد جامعه می شود، متأثر می شود. در حمایت از این دیدگاه تحقیقات متعدد نشان می دهد که حمایت عمومی نسبت به اقدامات مربوط به رفع تنگناهای اجتماعی - اقتصادی و آموزشی و پرورشی، موفقیت نهایی آنها را تعیین خواهد کرد (هیت و کیتز، ۱۹۸۴؛ ناکوستا و هاملز، ۱۹۹۴). یکی از عوامل مهمی که به منظور تنگناهای عمومی در سطح جامعه نسبت به اقدامات مثبت بر واکنش ها تأثیر می گذارد، گروه های هدف این نوع برنامه ها هستند (کلایتون، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶؛ اسمیت و کلوجل، ۱۹۸۴؛ کراویتز و پلاتانیا، ۱۹۹۳؛ مورل و همکاران، ۱۹۹۴). آموزش و پرورش و مدارس غیرانتفاعی در کنار مدارس دولتی در ایران از این قوانین مستثنا نیستند. در واقع با روشن شدن اینکه گروه های درآمدی، شغلی و تحصیلی مختلف چه نگرشی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی دارند، راهگشای سیاست گذاری های متناسب با پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و خانواده ها و باعث روشن شدن تأثیر احتمالی عناصر در آمد، تحصیلات و شغل و گرایش یا عدم گرایش به مدارس غیرانتفاعی به عنوان مدرسی که بخشی از نیازهای آموزشی و پرورشی را در سطح جامعه برطرف خواهند کرد، می شوند.

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر راکلیه زنان و مردان ساکن شهر اصفهان تشکیل داده اند که فرزند مدرسه رو از دبستان تا دبیرستان داشته اند. به طور تقریبی تعداد زنان و مردان ساکن در شهر اصفهان که فرزند مدرسه رو داشته اند (در سال ۱۳۸۳)، در حدود ۱۰۰۰۰۰۰ نفر برآورد شده است.

نمونه و روش نمونه گیری براساس میانگین و انحراف معیار کل پرسشنامه که از پژوهش گلپور و عربی (۱۳۸۳) در مورد نگرش کلی آحاد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی استخراج شد (در بعد پرورشی $X = 32/08$ و $SD = 7/72$) و با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه براساس میانگین و انحراف معیار ابزار مورد اندازه گیری (عمیدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۸)، حجم نمونه با توجه به جامعه آماری ۱۰۰۰۰۰۰ نفر (به طور نسبی برحسب تعداد کل دانش آموزان دختر و پسر در تمامی مقاطع تحصیلی تا

پیش‌دانشگاهی ضرب در ۲ به دست آمده است)، خطای نسبی ۰/۰۵ و مقدار Z ۱/۹۶، حدود ۵۵۰ نفر برآورد گردید، ولی از آنجایی که هدف مقایسه نگرشهای گروههای درآمدی، شغلی و تحصیلی مختلف در مورد مدارس غیرانتفاعی بوده، تعداد ۶۰۰ نفر به عنوان گروه نمونه در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری به صورت چند مرحله‌ای انجام شد. از میان کل خیابانهای شهر اصفهان، ابتدا از روی نقشه شهری ۲۰ خیابان به صورت تصادفی ساده استخراج، سپس از هر خیابان ۵ تا ۸ کوچه به صورت تصادفی انتخاب و در نهایت از هر کوچه (۱۰۰ تا ۱۶۰ کوچه) ۳ تا ۶ پرسشنامه با مراجعه تصادفی به درب منازل برگردید. گروه نمونه حاضر از نظر تحصیلات از بی‌سواد تا دکتری، از نظر شغل از بیکار تا مهندس و پزشک در نوسان بوده‌اند و ۳۷۹ نفر گروه نمونه را زنان و ۲۲۹ نفر آنها را مردان تشکیل داده‌اند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه نگرش سنج نسبت به مدارس غیرانتفاعی بوده که گلیپرور و عربضی (۱۳۸۳) آن را ساخته و اعتباریابی کرده‌اند. این پرسشنامه ۴۸ سؤال داشته که هر ۱۲ سؤال آن به نگرش در یکی از ابعاد آموزشی، پرورشی، اقتصادی و اجتماعی نسبت به مدارس غیرانتفاعی اختصاص داشته است. طیف گزینه‌های آن از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم (در مجموع پنج گزینه) در نوسان است و نحوه اجرای آن در مورد کسانی که حداقل سواد را دارند، به صورت خودگزارش دهی و برای افراد بی‌سواد به صورت مصاحبه و یا ضبط به روی نوار و پخش آن برای فرد و سپس ثبت پاسخ‌های فرد در پرسشنامه امکان‌پذیر است. زمان اجرای آن برای افراد باسواد بین ۱۲ تا ۱۸ دقیقه و برای افراد بی‌سواد حدود ۲۰ دقیقه می‌باشد. در مجموع هر فرد چهار نمره در بعد نگرش در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی و یک نمره کلی به عنوان نگرش کلی نسبت به مدارس غیرانتفاعی در این پرسشنامه کسب می‌کند. روایی این پرسشنامه به صورت محتوایی و صوری مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی آن به صورت همسانی درونی (آلفای کرونباخ) به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۲، ۰/۸۵، ۰/۸۹ و ۰/۹۴ برای ابعاد نگرش آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی و کلی به دست آمد و همچنین پایایی بازآزمایی آزمون با فاصله چهار هفته (آزمون - آزمون مجدد) به ترتیب ۰/۶۹۴۴، ۰/۴۸۵۲، ۰/۶۹۱۲ و ۰/۷۱۰۳ برای ابعاد

آموزشی، پرورشی اجتماعی و اقتصادی به دست آمد. در کنار پرسشنامه نگرش سنج، یک پرسشنامه ویژگیهای فردی - اجتماعی شامل ۱۰ سؤال (سن، جنسیت، تعداد فرزندان، تعداد فرزندان مدرسه‌رو، تحصیلات از بی سواد تا دکتری، درآمد، شغل پدر خانواده و مادر خانواده، وضعیت مسکن و دوره تحصیلی فرزندان) نیز به افراد برای پاسخگویی ارائه شده است.

روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها

از آنجایی که مقیاس نگرش سنج، ابزار اصلی مورد استفاده در این پژوهش بوده و همان‌طور که اعلام شد، هدف اصلی پژوهش حاضر نیز مقایسه نگرشهای گروههای درآمدی، شغلی و تحصیلی نسبت به مدارس غیرانتفاعی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی و نگرش کلی بوده و با رعایت تناسب بین روشهای آماری مورد استفاده با سطح اندازه‌گیری داده‌ها (نگرش سنجی در این پژوهش در سطح فاصله‌ای در نظر گرفته شده است) از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی به منظور تحلیل داده‌ها و بررسی سؤالات و فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. در سطح توصیفی از میانگین، انحراف معیار، خطای معیار میانگین و غیره استفاده به عمل آمد و در سطح آمار استنباطی از آزمون لوین (برای بررسی پیش فرض برابری واریانس‌ها) آنوایک راهه (به منظور مقایسه نگرشهای گروههای تحصیلی، درآمدی و شغلی مختلف در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی و کلی) و آزمون تعقیبی توکی (برای مقایسه دو به دوی موارد معنادار پس از آزمون آنوا) استفاده شده است. این عملیات با رعایت تمامی شرایط مربوط به محاسبات با استفاده از نرم افزار محاسباتی SPSS/10 انجام پذیرفته است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با توجه به فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است. در جدول ۱ میانگین انحراف معیار و دیگر شاخص‌های آمار توصیفی به تفکیک گروهها ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار و دیگر شاخص‌های آماری به تفکیک گروه‌های تحصیلی در ابعاد چهارگانه نگرش و نگرش کلی

گروه‌های تحصیلی	ابعاد نگرش	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	حداقل نمره	حداکثر نمره
بی‌سواد	آموزشی	۹	۳۳	۵/۶۳	۱/۸۸	۲۴	۴۰
	پرورشی	۹	۳۳/۳۳	۳/۲۰	۱/۰۷	۲۹	۳۷
	اجتماعی	۹	۲۹/۱۱	۷/۷۴	۲/۵۸	۱۷	۳۸
	اقتصادی	۹	۳۱/۲۲	۶/۶۹	۲/۲۳	۱۸	۳۸
	نگرش کلی	۹	۱۲۶/۶۶	۱۶/۹۸	۵/۶۶	۸۸	۱۴۵
ابتدایی	آموزشی	۷۲	۳۲/۴۹	۷/۳۵	۰/۸۷	۱۵	۵۱
	پرورشی	۷۲	۳۲/۹۰	۸/۶۵	۱/۰۲	۱۲	۵۸
	اجتماعی	۷۲	۳۰/۷۴	۹/۱۸	۱/۰۸	۱۴	۵۴
	اقتصادی	۷۲	۲۹/۰۶	۱۰/۲۶	۱/۲۱	۱۲	۶۰
	نگرش کلی	۷۲	۱۲۵/۱۸	۳۱/۶۴	۳/۷۲	۶۶	۲۲۱
راهنمایی	آموزشی	۹۳	۳۰/۱۰	۷/۲۴	۰/۷۵	۱۲	۵۳
	پرورشی	۹۳	۳۱/۵۷	۶/۸۰	۰/۷۱	۱۵	۴۹
	اجتماعی	۹۳	۲۷/۹۸	۷/۴۰	۰/۷۷	۱۴	۵۱
	اقتصادی	۹۳	۲۶/۴۷	۸/۳۷	۰/۸۷	۱۲	۴۹
	نگرش کلی	۹۳	۱۱۶/۱۱	۲۵/۲۹	۲/۶۲	۶۷	۲۰۱
دیپلم تا دبیرستان	آموزشی	۲۵۸	۳۰/۷۹	۷/۰۷	۰/۴۴	۱۲	۵۰
	پرورشی	۲۵۸	۳۲/۳۲	۷/۳۵	۰/۴۶	۱۳	۵۴
	اجتماعی	۲۵۸	۲۹/۵۹	۷/۸۶	۰/۴۹	۱۲	۴۹
	اقتصادی	۲۵۸	۲۸/۲۹	۸/۸۲	۰/۵۵	۱۲	۵۱
	نگرش کلی	۲۵۸	۱۲۰/۹۸	۲۵/۸۳	۱/۶۰	۵۸	۱۷۹

مقایسه نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس ... / ۳۹

۴۸	۱۲	۰/۹۱	۷/۵۵	۲۹/۷۸	۶۹	آموزشی	
۴۹	۱۴	۰/۹	۷/۴۹	۳۱/۸۳	۶۹	پرورشی	
۴۹	۱۲	۱/۱۱	۹/۲۲	۲۸/۷۷	۶۹	اجتماعی	فوق دیپلم
۵۸	۱۲	۱/۱۰	۹/۱۷	۲۸/۲۲	۶۹	اقتصادی	
۱۸۷	۶۵	۳/۵۵	۲۹/۵۵	۱۱۸/۵۹	۶۹	نگرش کلی	
۵۲	۱۵	۰/۸۳	۷/۶۶	۳۱/۷۷	۸۶	آموزشی	
۵۴	۱۶	۰/۸۳	۷/۷۱	۳۳	۸۶	پرورشی	
۵۳	۱۵	۰/۸۹	۸/۲۲	۳۱/۶۹	۸۶	اجتماعی	لیسانس
۵۵	۱۲	۱/۰۵	۶/۷۲	۳۰/۹۹	۸۶	اقتصادی	
۲۰۶	۷۳	۳/۰۳	۲۸/۱۵	۱۲۷/۴۴	۸۶	نگرش کلی	
۴۰	۱۹	۲/۶۵	۷	۲۷	۷	آموزشی	
۴۴	۲۰	۳/۱۰	۸/۱۹	۲۹/۸۶	۷	پرورشی	
۳۹	۲۰	۲/۸۶	۰/۱۵۷	۳۰/۵۷	۷	اجتماعی	فوق لیسانس
۴۴	۱۹	۲/۹۶	۷/۸۳	۳۱/۷۱	۷	اقتصادی	
۱۶۴	۸۲	۱۰/۶۳	۲۸/۱۴	۱۱۹/۱۴	۷	نگرش کلی	
۴۳	۲۳	۳/۲۵	۷/۹۷	۳۳/۵	۶	آموزشی	
۴۲	۲۶	۲/۲۴	۵/۴۹	۳۴/۱۷	۶	پرورشی	
۴۴	۲۲	۳/۳۷	۸/۲۶	۳۶/۵	۶	اجتماعی	دکتری
۴۸	۲۳	۳/۸۴	۹/۴۱	۳۴/۸۳	۶	اقتصادی	
۱۷۴	۱۱۱	۹/۳۱	۲۲/۸۲	۱۳۹	۶	نگرش کلی	

جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی به گروه تحصیلی دبیرستان تا دیپلم با ۲۵۸ نفر و کمترین فراوانی به گروه تحصیلی دکتری ۶ نفر، فوق لیسانس ۷ نفر و بی سواد ۹ نفر اختصاص داشته است. از لحاظ میانگین، بالاترین میانگین نگرش کلی که نشان‌دهنده گرایش مثبت محسوب می‌شود، مربوط به گروه تحصیلی دکتری ($\bar{X} = 139$) و سپس لیسانس ($\bar{X} = 127/44$) و پایین‌ترین میانگین که نشان‌دهنده گرایش

نگرش منفی است مربوط به گروه تحصیلی فوق‌لیسانس ($X = ۱۱۹/۱۴$) فوق‌دیپلم ($X = ۱۱۸/۵۹$) بوده است. در ابعاد نگرش چهارگانه یعنی ابعاد نگرش آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی نیز میانگین گروه بی‌سواد از ۲۹/۱۱ (برای نگرش اجتماعی) تا ۳۳/۳۳ (برای نگرش پرورشی) در نوسان بوده است. دیگر گروه‌های تحصیلی نیز در ابعاد چهارگانه دارای میانگین ۲۷/۹۸ (نگرش اجتماعی برای گروه تحصیلی دکتری) و ۳۴/۸۳ (نگرش اقتصادی برای گروه تحصیلی دکتری) به صورت حداقل و حداکثر بوده‌اند. در جدول ۲ نتایج آزمون آنوا به منظور بررسی تفاوت احتمالی در ابعاد نگرش و نگرش کلی گروه‌های تحصیلی ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج آنوا به منظور بررسی تفاوت ابعاد نگرشی و نگرش کلی گروه‌های تحصیلی

ابعاد نگرشی	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	فراوانی	معناداری
آموزشی	بین‌گروهی	۵۸۱/۱۰	۷	۸۳/۰۱	۱/۵۷	۰/۱۴
	درون‌گروهی	۳۱۲۲۶/۸۱	۵۹۲	۵۲/۷۴	-	-
	کل	۳۱۸۰۷/۹۱	۵۹۹	-	-	-
پرورشی	بین‌گروهی	۲۰۵/۵۴	۷	۲۹/۳۶	۰/۵۲۸	۰/۸۱
	درون‌گروهی	۳۲۹۵۲/۶۵	۵۹۲	۵۵/۶۶	-	-
	کل	۳۳۱۵۸/۱۹	۵۹۹	-	-	-
اجتماعی	بین‌گروهی	۱۰۳۹/۵۰	۷	۱۴۸/۵	۲/۲۲	۰/۰۳۱
	درون‌گروهی	۳۹۵۹۱/۴۸	۵۹۲	۶۶/۸۷	-	-
	کل	۴۰۶۳۰/۹۸	۵۹۹	-	-	-
اقتصادی	بین‌گروهی	۱۳۲۴/۰۹	۷	۱۸۹/۱۵	۲/۲۹	۰/۰۲۶
	درون‌گروهی	۴۸۸۴۰/۲۸	۵۹۲	۸۲/۵	-	-
	کل	۵۰۱۶۴/۳۷	۵۹۹	-	-	-
نگرش کلی	بین‌گروهی	۹۴۶۳/۱۲	۷	۱۳۵۱/۸۷	۱/۸۲	۰/۰۷۹
	درون‌گروهی	۴۳۷۸۴۲/۹۹	۵۹۲	۷۳۹/۶	-	-
	کل	۴۴۷۳۰۶/۱۲	۵۹۹	-	-	-

نتایج آزمون آنوا که در جدول ۲ ارائه شده نشان می‌دهد که در سه مورد نگرش آموزشی ($F = ۱/۵۷$ و $P > ۰/۰۵$)، پرورشی ($F = ۰/۵۲۸$ و $P > ۰/۰۵$) و نگرش کلی ($F = ۱/۸۲$ و $P > ۰/۰۵$) بین گروه‌های تحصیلی بی‌سواد تا دکتری نسبت به مدارس غیرانتفاعی تفاوت معناداری وجود ندارد، اما در مورد نگرش اجتماعی ($P > ۰/۰۵$) و نگرش اقتصادی ($F = ۲/۲۹$ و $P > ۰/۰۵$) نسبت به مدارس غیرانتفاعی در بین گروه‌های تحصیلی متفاوت تفاوت معناداری وجود داشته است. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که بین نگرش اجتماعی و اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی در گروه‌های تحصیلی متفاوت، تفاوت معناداری وجود دارد. در جدول ۳ نتایج آزمون تعقیبی توکی، به منظور تفاوت گروه‌های تحصیلی در نگرش اجتماعی ارائه شده است. لازم به ذکر است که در جدول ۳ صرفاً موارد معنادار ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد تفاوت نگرش اجتماعی در گروه‌های تحصیلی معنادار

گروه تحصیلی اول	گروه تحصیلی مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	معناداری
راهنمایی	لیسانس	-۳/۷۱	۱/۲۲	۰/۰۵

جدول ۳ نشان می‌دهد که نگرش اجتماعی گروه تحصیلی لیسانس ($\bar{X} = ۳۱/۶۹$) با گروه تحصیلی راهنمایی ($\bar{X} = ۲۷/۹۸$) تفاوت معناداری ($P \leq ۰/۰۵$) داشته است. از آنجایی که میانگین گروه تحصیلی لیسانس از گروه تحصیلی راهنمایی بزرگتر بوده نتیجه‌گیری می‌شود که گروه تحصیلی لیسانس نسبت به گروه تحصیلی راهنمایی از نگرش اجتماعی مثبت‌تری نسبت به مدارس غیرانتفاعی برخوردار بوده است. در جدول ۴ نتایج آزمون تعقیبی توکی در راستای تفاوت گروه‌های تحصیلی در نگرش اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی ارائه شده است. در این جدول صرفاً موارد معنادار ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد تفاوت نگرش اقتصادی در گروههای تحصیلی معنادار

معناداری	خطای معیار	تفاوت میانگین‌ها	گروه تحصیلی مورد مقایسه	گروه تحصیلی اول
۰/۰۲	۱/۳۶	-۴/۵۲	لیسانس	راهنمایی

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین نگرش اقتصادی گروه تحصیلی لیسانس ($\bar{X} = ۳۰/۹۹$) و گروه تحصیلی راهنمایی ($\bar{X} = ۲۶/۴۷$) نسبت به مدارس غیرانتفاعی تفاوت معناداری ($P < ۰/۰۵$) وجود دارد. از آنجایی که میانگین گروه تحصیلی لیسانس از گروه تحصیلی راهنمایی بزرگتر بوده، نتیجه‌گیری می‌شود که نگرش اقتصادی، گروه راهنمایی نسبت به مدارس غیرانتفاعی، در مقایسه با نگرش اقتصادی گروه لیسانس، گرایش به منفی بودن دارد. در جدول ۵ شاخص‌های گرایش مرکزی (میانگین، انحراف معیار، خطای معیار، میانگین و...) برای گروههای درآمدی هفتگانه ارائه شده است.

جدول ۵- میانگین، انحراف معیار و دیگر شاخص‌های آماری به تفکیک گروههای درآمدی در ابعاد نگرشی و نگرش کلی

گروههای درآمدی	ابعاد نگرش	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	حداقل حداکثر نمره	حداکثر نمره
	آموزشی	۲۵	۳۱/۶۴	۶/۵۴	۱/۳۱	۱۸	۴۴
صفر تا	پرورشی	۲۵	۳۳/۴۰	۷/۹۹	۱/۶۰	۲۱	۵۴
۴۹ هزار تومان	اجتماعی	۲۵	۳۰/۹۲	۸/۶۴	۱/۷۳	۱۵	۵۴
	اقتصادی	۲۵	۳۰/۴۰	۱۱/۲۶	۲/۲۵	۱۳	۵۴
	نگرش کلی	۲۵	۱۲۶/۳۶	۳۰/۳۷	۶/۰۷	۷۸	۱۹۵
	آموزشی	۸۴	۳۰/۶۸	۷/۷۲	۰/۴	۱۲	۵۳
تا ۵۰	پرورشی	۸۴	۳۱/۲۱	۶/۸۴	۰/۷۵	۱۸	۵۸
۹۹ هزار تومان	اجتماعی	۸۴	۲۸/۱۱	۸/۱۲	۰/۸۹	۱۲	۵۲
	اقتصادی	۸۴	۲۶/۱۰	۹/۱۶	۱	۱۲	۶۰
	نگرش کلی	۸۴	۱۱۶/۰۹	۲۶/۶۴	۲/۹۰	۶۵	۲۲۱

مقایسه نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس ... / ۴۳

۵۰	۱۲	۰/۶۱	۷/۴۹	۲۹/۹۳	۱۵۱	آموزشی	
۵۴	۱۲	۰/۶۴	۷/۹۱	۳۰/۹۰	۱۵۱	پرورشی	تا ۱۰۰
۴۸	۱۳	۰/۶۴	۷/۸۸	۲۸/۴۰	۱۵۱	اجتماعی	۱۴۹ هزار تومان
۵۸	۱۲	۰/۶۹	۸/۵۳	۲۶/۶۴	۱۵۱	اقتصادی	
۱۸۷	۶۶	۲/۲۲	۲۷/۳۵	۱۱۵/۸۷	۱۵۱	نگرش کلی	
۴۸	۱۲	۰/۷۳	۷/۶۰	۳۰/۹۴	۱۰۸	آموزشی	
۴۸	۱۶	۰/۶۸	۷/۰۶	۳۱/۷۴	۱۰۸	پرورشی	تا ۱۵۰
۵۱	۱۲	۰/۸۱	۸/۴۲	۲۹/۵	۱۰۸	اجتماعی	۱۹۹ هزار تومان
۴۶	۱۲	۰/۸	۸/۳۴	۲۸/۵۸	۱۰۸	اقتصادی	
۱۷۹	۵۸	۲/۵۴	۲۶/۴۱	۱۲۰/۷۶	۱۰۸	نگرش کلی	
۵۲	۱۷	۰/۷	۶/۴۵	۳۱/۱۱	۸۵	آموزشی	
۵۶	۱۹	۰/۷۸	۷/۱۹	۳۳/۷۶	۸۵	پرورشی	تا ۲۰۰
۴۹	۱۴	۰/۸۳	۷/۶۳	۳۱/۲۲	۸۵	اجتماعی	۲۴۹ هزار تومان
۵۱	۱۲	۰/۹۸	۵/۹۹	۳۰/۹۸	۸۵	اقتصادی	
۱۹۴	۶۶	۲/۸۰	۲۵/۸۸	۱۲۷/۰۷	۸۵	نگرش کلی	
۴۵	۱۷	۰/۸۹	۶/۶۹	۳۲/۰۲	۵۷	آموزشی	
۴۷	۱۵	۰/۸۴	۶/۳۸	۳۳/۵۸	۵۷	پرورشی	تا ۲۵۰
۴۹	۱۵	۱/۰۶	۸/۰۴	۳۱/۳۷	۵۷	اجتماعی	۲۹۹ هزار تومان
۴۵	۱۴	۱/۱۱	۸/۴۰	۳۰/۶۸	۵۷	اقتصادی	
۱۷۴	۶۷	۳/۲۴	۲۴/۵۱	۱۲۷/۶۴	۵۷	نگرش کلی	
۵۰	۱۵	۰/۸۵	۷/۵۵	۳۱/۴۹	۷۸	آموزشی	
۵۴	۱۶	۰/۸۵	۷/۵۱	۳۳/۴۷	۷۸	پرورشی	۳۰۰ هزار تومان
۵۳	۱۲	۱/۰۲	۹/۰۲	۳۰/۶۲	۷۸	اجتماعی	و بیشتر
۵۵	۱۲	۱/۱۶	۱۰/۲۳	۳۰/۱۳	۷۸	اقتصادی	
۲۰۶	۷۲	۳/۲۸	۲۹/۰۳	۱۲۵/۷۰	۷۸	نگرش کلی	

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی به گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان و با ۱۵۱ نفر و کمترین فراوانی به گروه درآمدی صفر تا ۴۹ هزار

تومان و با ۲۵ نفر اختصاص داشته است. میانگین نگرش کلی گروههای درآمدی هفتگانه از ۱۲۷ (برای گروههای درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان و ۲۵۰ تا ۲۹۹ هزار تومان) تا ۱۱۵ و ۱۱۶ (به ترتیب برای گروههای درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان و ۵۰ تا ۹۹ هزار تومان) به صورت بیشترین تا کمترین در نوسان بوده است. در ابعاد نگرشی چهارگانه (آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی) نیز میانگین گروههای درآمدی هفتگانه از ۲۶ (در بعد نگرشی اقتصادی برای گروه درآمدی ۵۰ تا ۹۹ هزار تومان و ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان) تا ۳۳ (در بعد نگرش پرورشی برای گروههای درآمدی صفر تا ۴۹ هزار تومان، ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان، ۲۵۰ تا ۲۹۹ هزار تومان و ۳۰۰ هزار تومان و بیشتر) در نوسان بوده است. در جدول ۶ نتایج آزمون آنوا به منظور بررسی تفاوت احتمالی در ابعاد چهارگانه نگرشی و نگرش کلی گروههای درآمدی ارائه شده است.

جدول ۶- نتایج آنوا به منظور بررسی تفاوت ابعاد نگرشی و نگرش کلی گروههای درآمدی

معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منابع تغییر	ابعاد نگرشی
۰/۵۵۹	۰/۸۱۴	۴۳/۳۸۹	۶	۳۳۸۲۶۰	بین گروهی	آموزشی
-	-	۵۳/۲۹۷	۵۸۱	۳۰۹۶۵/۶۰	درون گروهی	
-	-	-	۵۸۷	۳۱۲۲۵/۹۳	کل	
۰/۰۱۷	۲/۶۱۲	۱۳۹/۷۰۵	۶	۸۳۸/۲۲	بین گروهی	پرورشی
-	-	۵۳/۴۹۲	۵۸۱	۳۱۰۷۹/۰۳	درون گروهی	
-	-	-	۵۸۷	۳۱۹۱۷/۲۵۹	کل	
۰/۰۶۲	۲/۳۱۶	۱۵۵/۱۸۲	۶	۹۳۱/۰۹	بین گروهی	اجتماعی
-	-	۶۶/۹۹	۵۸۱	۳۸۹۲۳/۵۱	درون گروهی	
-	-	-	۵۸۷	۳۹۸۵۴/۶۰	کل	
۰/۰۰۰	۴/۳۰۲	۳۴۹/۲۷	۶	۲۰۹۵/۶۳	بین گروهی	اقتصادی
-	-	۸۱/۱۹	۵۸۱	۴۷۱۷۳/۱۶	درون گروهی	
-	-	-	۵۸۷	۴۹۲۶۳/۷۹	کل	
۰/۴۰۰	۳/۲۱۴	۲۳۳۸/۸۶	۶	۱۴۰۳۳/۱۹	بین گروهی	نگرش کلی
-	-	۷۲۷/۸۲	۵۸۱	۴۲۲۸۶۵/۶	درون گروهی	
-	-	-	۵۸۷	۴۳۶۸۹۸/۷	کل	

مقایسه نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس ... / ۴۵

جدول ۶ نشان می‌دهد که تفاوت نگرش گروه‌های درآمدی متفاوت در بعد آموزشی ($F = ۰/۸۱۴$ و $P > ۰/۰۵$) و اجتماعی ($F = ۲/۳۱$ و $P > ۰/۰۵$) معنادار نمی‌باشد، ولی در ابعاد نگرش پرورشی ($F = ۲/۶۱$ و $P \leq ۰/۰۵$)، اقتصادی ($F = ۴/۳۰$ و $P \leq ۰/۰۵$) و نگرش کلی ($F = ۳/۲۱$ و $P \leq ۰/۰۵$) معنادار می‌باشد. لذا نتیجه‌گیری می‌شود که بین نگرش پرورشی، اقتصادی و نگرش کلی گروه‌های درآمدی مختلف نسبت به مدارس غیرانتفاعی تفاوت معناداری وجود دارد. در جدول ۷ نتایج اجرای آزمون تعقیبی توکی به منظور بررسی نگرش پرورشی گروه‌های درآمدی متفاوت ارائه شده است.

جدول ۷- نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد تفاوت نگرش پرورشی در گروه‌های درآمدی معنادار

معناداری	خطای معیار	تفاوت میانگین‌ها	گروه درآمدی مورد مقایسه	گروه درآمدی اول
۰/۰۵	۰/۹۹	-۲/۸۶	گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان	گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان ($\bar{X} = ۳۰/۹$) نسبت به گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان ($\bar{X} = ۳۳/۷۶$) در بعد پرورشی نسبت به مدارس غیرانتفاعی، دارای نگرش منفی تری بوده است، بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که نگرش پرورشی گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان نسبت به گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان منفی‌تر بوده است.

در جدول ۸ نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد تفاوت نگرش اقتصادی در گروه‌های درآمدی که معنادار بوده‌اند ارائه شده است.

جدول ۸- نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد تفاوت نگرش اقتصادی در گروه‌های درآمدی معنادار

معناداری	خطای معیار	تفاوت میانگین‌ها	گروه درآمدی مورد مقایسه	گروه درآمدی اول
۰/۰۰۸	-۱/۳۹	-۴/۸۸	گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان	گروه درآمدی ۹۹ تا ۵۰ هزار تومان
۰/۰۴۷	۱/۵۵	-۴/۵۹	گروه درآمدی ۲۵۰ تا ۲۹۹ هزار تومان	گروه درآمدی ۹۹ تا ۵۰ هزار تومان
۰/۰۰۷	۱/۲۲	-۴/۳۳	گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان	گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان

جدول ۸ نشان می‌دهد که چند گروه درآمدی در بعد نگرش اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی تفاوت معنادار داشته‌اند. گروه درآمدی ۵۰ تا ۹۹ هزار تومان ($X = 26/10$) و گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان ($X = 30/98$) که تفاوت داشته‌اند، به دلیل کوچکتر بودن میانگین گروه درآمدی ۵۰ تا ۹۹ هزار تومان، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این گروه درآمدی در بعد اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی نسبت به گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان نگرش منفی‌تری داشته است. این گروه (یعنی ۵۰ تا ۹۹ هزار تومان) با گروه درآمدی ۲۵۰ تا ۲۹۹ هزار تومان ($X = 30/68$) دارای وضعیت مشابهی بوده است. و بالاخره گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان ($X = 26/64$) با گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان ($X = 30/6$) نیز دارای تفاوت معنادار بوده، یعنی گروه اول نسبت به گروه دوم نگرش اقتصادی منفی‌تری نسبت به مدارس غیرانتفاعی داشته است. در جدول ۹ نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد تفاوت نگرش کلی گروه‌های درآمدی که معنادار بوده‌اند، ارائه شده است.

جدول ۹- نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد تفاوت نگرش کلی گروه‌های درآمدی معنادار

مقایسه	گروه درآمدی اول	گروه درآمدی مورد	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	معناداری
	۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان	۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان	-۱۱/۱۹۶۴	۳/۶۵۸۲	۰/۰۳۶

جدول ۹ نشان می‌دهد که در نگرش کلی بین گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان ($X = 115/87$) و گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان ($X = 127/07$) نیز تفاوت معنادار وجود داشته است. میانگین‌ها نشان می‌دهد که گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان نسبت به گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان، در نگرش کلی نسبت به مدارس غیرانتفاعی نگرش منفی‌تری داشته است. در جدول ۱۰ شاخص‌های گرایش مرکزی (میانگین، انحراف معیار و...) برای گروه‌های شغلی (پدران) هفتگانه ارائه شده است.

جدول ۱۰- میانگین، انحراف معیار و دیگر شاخص‌های آماری به تفکیک گروه‌های شغلی پدران در ابعاد نگرشی و نگرش کلی

گروه‌های شغلی پدران	ابعاد نگرش	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	حداقل نمره	حداکثر نمره
کارمند، فرهنگی، دانشجو	آموزشی	۱۷۱	۳۰/۴۹	۶/۹۱	۰/۵۳	۱۴	۵۲
	پرورشی	۱۷۱	۳۲/۱۲	۶/۸۰	۰/۵۲	۱۳	۵۳
	اجتماعی	۱۷۱	۲۹/۸۱	۸/۱۷	۰/۶۲	۱۳	۵۱
	اقتصادی	۱۷۱	۲۹/۴۷	۸/۶۴	۰/۶۶	۱۲	۵۸
	نگرش کلی	۱۷۱	۱۲۱/۸۸	۲۵/۴۱	۱/۹۴	۷۱	۱۸۹
کارگر، کشاورز، دامدار	آموزشی	۲۸	۳۰/۹۶	۸/۲۱	۱/۵۵	۱۵	۴۵
	پرورشی	۲۸	۳۱/۸۶	۷/۴۹	۱/۴۲	۱۹	۴۶
	اجتماعی	۲۸	۲۸/۶۴	۸/۰۹	۱/۵۳	۱۴	۴۲
	اقتصادی	۲۸	۲۵/۷۹	۱۰/۵۳	۱/۹۹	۱۲	۴۸
	نگرش کلی	۲۸	۱۱۷/۲۵	۲۹	۵/۴۸	۶۶	۱۶۲
نظامی	آموزشی	۱۲	۳۲/۰۸	۷/۳۰	۲/۱۱	۲۴	۵۰
	پرورشی	۱۲	۳۱/۷۵	۴/۰۷	۱/۱۸	۲۴	۴۰
	اجتماعی	۱۲	۳۰/۲۵	۵/۷۵	۱/۶۶	۲۰	۴۱
	اقتصادی	۱۲	۲۹/۲۵	۹/۱۴	۲/۶۴	۱۷	۴۸
	نگرش کلی	۱۲	۱۲۳/۳۳	۲۴/۷۵	۷/۱۴	۸۶	۱۷۹
بازنشسته و فوت کرده	آموزشی	۴۷	۲۹/۴۹	۷/۶۵	۱/۱۲	۱۲	۴۲
	پرورشی	۴۷	۳۰/۴۷	۷/۱۴	۱/۰۴	۱۸	۴۸
	اجتماعی	۴۷	۲۷/۶۲	۸/۰۵	۱/۱۷	۱۲	۴۰
	اقتصادی	۴۷	۲۶/۶۰	۹/۰۳	۱/۳۲	۱۲	۴۴
	نگرش کلی	۴۷	۱۱۴/۱۷	۲۷/۱۵	۳/۹۶	۶۵	۱۶۷
بیکار	آموزشی	۱۲	۳۰/۱۷	۶/۲۸	۱/۸۱	۲۰	۴۰
	پرورشی	۱۲	۳۱/۸۳	۷/۴۸	۲/۱۶	۲۱	۴۷
	اجتماعی	۱۲	۲۹/۰۸	۷	۲/۰۲	۱۷	۳۹
	اقتصادی	۱۲	۲۴/۰۸	۹/۲۴	۲/۶۷	۱۲	۴۳
	نگرش کلی	۱۲	۱۱۵/۱۶	۲۵/۸۳	۷/۴۵	۸۰	۱۶۶

۵۳	۱۲	۰/۴۴	۷/۴۶	۳۱/۳۹	۲۹۴	آموزشی
۵۸	۱۲	۰/۴۶	۷/۹۴	۳۲/۶۵	۲۹۴	پرورشی
۵۴	۱۲	۰/۴۹	۸/۴۸	۲۹/۸۵	۲۹۴	اجتماعی
۶۰	۱۲	۰/۵۳	۹/۱۷	۲۸/۴۴	۲۹۴	اقتصادی
۲۲۱	۵۸	۱/۶۶	۲۸/۴۹	۱۲۲/۳۳	۲۹۴	نگرش کلی
۴۸	۱۵	۱/۱۸	۶/۶۵	۳۰/۵۳	۳۲	آموزشی
۵۳	۱۶	۱/۳۳	۷/۵۳	۳۳/۳۱	۳۲	پرورشی
۵۳	۱۶	۱/۴۲	۸/۰۱	۳۲/۳۱	۳۲	اجتماعی
۴۹	۱۲	۱/۷۰	۹/۶۴	۳۲/۱۹	۳۲	اقتصادی
۲۰۳	۷۷	۴/۶۷	۲۶/۴۲	۱۲۸/۳۴	۳۲	نگرش کلی

همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی از نظر گروه شغلی پدران، به گروه شغلی آزاد، راننده و... با ۲۹۴ و گروه شغلی کارمند، فرهنگی و دانشجو با ۱۷۱ نفر و کمترین تعداد به گروه شغلی نظامی و بیکار با ۱۲ نفر و گروه کارگر، کشاورز و دامدار با ۲۸ نفر اختصاص داشته است. از نظر میانگین نگرش کلی، بالاترین میانگین به گروه شغلی پزشک و دامپزشک و با ۱۲۸/۳۴ و گروه نظامی با ۱۲۲/۳۳ و پایین‌ترین میانگین به گروه شغلی بازنشسته و فوت کرده با ۱۱۴/۱۷ و گروه شغلی کارگر، کشاورز و دامدار با ۱۱۷/۲۵ اختصاص داشته است. در بین چهار بعد نگرش آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی، میانگین نگرشها بین ۲۴ و ۲۵ (به ترتیب در بعد نگرش اقتصادی برای گروه شغلی بیکار و گروه شغلی کارگر، کشاورز، دامدار و...) تا ۳۲ و ۳۳ (در بعد نگرش پرورشی برای گروه شغلی کارمند، فرهنگی و دانشجو، نگرش آموزشی برای گروه شغلی نظامی، نگرش پرورشی برای گروه شغلی آزاد، راننده و... و نگرش اجتماعی و اقتصادی برای گروه پزشک و دامپزشک تا نگرش پرورشی برای گروه پزشک و دامپزشک) در نوسان بوده است. در جدول ۱۱ نتایج آزمون آنوا در مورد تفاوت بین ابعاد نگرشی چهارگانه و نگرش کلی در گروههای شغلی متفاوت ارائه شده است.

جدول ۱۱- نتایج آزمون آنوا در مورد تفاوت بین ابعاد نگرشی چهارگانه و نگرش کلی در گروههای شغلی متفاوت

ابعاد نگرشی	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	فراوانی	معناداری
آموزشی	بین گروهی	۲۲۲/۵۳۲	۶	۳۷/۰۸۹	۰/۶۹۷	۰/۶۵۲
	درون گروهی	۳۱۳۴۰/۲۰۶	۵۸۹	۳۵/۲۰۹	-	-
	کل	۳۱۵۶۲/۷۳۸	۵۹۵	-	-	-
پرورشی	بین گروهی	۲۴۳/۸۶۴	۶	۴۰/۶۴۴	۰/۷۳۱	۰/۶۲۵
	درون گروهی	۳۲۷۵۰/۴۹۸	۵۸۹	۵۵/۶۰۴	-	-
	کل	۳۲۹۹۴/۳۶۲	۵۹۵	-	-	-
اجتماعی	بین گروهی	۴۷۰/۰۴۴	۶	۷۸/۳۴۱	۱/۱۵۲	۰/۳۳۱
	درون گروهی	۴۰۰۵۷/۰۰۳	۵۸۹	۶۸/۰۰۸	-	-
	کل	۴۰۵۲۷/۰۴۷	۵۹۵	-	-	-
اقتصادی	بین گروهی	۱۲۰۸/۳۸۳	۶	۲۰۱/۳۹۷	۲/۴۳۱	۰/۰۲۵
	درون گروهی	۴۸۷۹۱/۱۶۵	۵۸۹	۸۲/۸۳۷	-	-
	کل	۴۹۹۹۹/۵۴۹	۵۹۵	-	-	-
نگرش کلی	بین گروهی	۵۲۸۱/۹۵۲	۶	۸۸۰/۳۲۵	۱/۱۷۸	۰/۳۱۶
	درون گروهی	۴۴۰۰۹۲/۷۶	۵۸۹	۷۴۷/۱۸۶	-	-
	کل	۴۴۵۳۷۴/۷۲	۵۹۵	-	-	-

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که در ابعاد آموزشی ($P > ۰/۰۵$ و $F = ۰/۶۹۷$)، پرورشی ($P > ۰/۰۵$ و $F = ۰/۷۳۱$)، اجتماعی ($P > ۰/۰۵$ و $F = ۱/۱۵۲$) و نگرش کلی ($P > ۰/۰۵$) و ($F = ۱/۱۷۸$) بین گروههای شغلی (پدران) نسبت به مدارس غیرانتفاعی تفاوت معناداری وجود ندارد، ولی در بعد نگرش اقتصادی ($P \leq ۰/۰۵$ و $F = ۲/۴۳۱$) در گروههای شغلی (پدران) نسبت به مدارس غیرانتفاعی تفاوت معناداری وجود دارد، لذا نتیجه‌گیری می‌شود که نگرش اقتصادی گروههای شغلی (پدران) نسبت به مدارس غیرانتفاعی با یکدیگر متفاوت است. در جدول ۱۲ نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد گروههای شغلی (پدران) در بعد نگرش اقتصادی که دارای تفاوت معنادار بوده‌اند ارائه شده است.

جدول ۱۲- نتایج آزمون تعقیبی توکی در بعد نگرش اقتصادی بین گروههای شغلی پدران

معناداری	خطای معیار	تفاوت میانگین‌ها	گروه شغلی مورد مقایسه	گروه شغلی اول
۰/۰۴۴	۲/۳۶	-۶/۴۰	پزشک و دامپزشک	نظامی

همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود، بین نگرش اقتصادی گروه شغلی نظامی ($\bar{X} = ۲۹/۲۵$) و نگرش اقتصادی گروه شغلی پزشک و دامپزشک ($\bar{X} = ۳۲/۱۹$) در بین گروههای شغلی متفاوت، صرفاً تفاوت معنادار وجود داشته است. لذا نتیجه‌گیری می‌شود که با توجه به میانگین‌های دو گروه شغلی در بعد نگرش اقتصادی، گروه نظامی نسبت به مدارس غیرانتفاعی در مقایسه با گروه شغلی پزشک و دامپزشک نگرش منفی‌تری داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

الف - در مورد تفاوت نگرش گروههای تحصیلی

نتایج تحلیل مقایسه‌ای نگرشهای افراد جامعه برحسب طبقات تحصیلی نشان داد که در ابعاد اجتماعی و اقتصادی نگرشها نسبت به مدارس غیرانتفاعی با یکدیگر متفاوت است. نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که در بعد اجتماعی و اقتصادی گروه تحصیلی راهنمایی نسبت به گروه تحصیلی لیسانس از نگرش منفی‌تری برخوردار است. این شواهد نشان می‌دهد که در بعد اجتماعی و اقتصادی بین سطح تحصیلات و نگرش رابطه‌ی نسبی وجود دارد. دیدگاههای متعدد حوزه تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی نشان داده که بین نگرش نسبت به یک پدیده خاص و رفتار در مقابل آن رابطه وجود دارد (می‌برز، ۱۹۹۳؛ برم و کازین، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۶؛ بارون و برن، ۲۰۰۰؛ تیلو، پیلاو و سیرز، ۲۰۰۰). در روابط بین‌فردی در اجتماع معمولاً از طریق مقایسه اجتماعی، افراد سعی می‌کنند تا نگرشهای خود را شکل دهند و در کنار آن در صورت لزوم نگرشهای خود را تغییر دهند. از طرفی دیگر بیشترین موافقتها و مخالفتها نسبت به مدارس غیرانتفاعی

بر دو حیطة نگرشهای اقتصادی و اجتماعی متمرکز است. برخی از استدلال‌هایی که موافقان مدارس غیرانتفاعی مطرح می‌کنند و در عین حال برخی از مخالفت‌ها نیز به‌طور جدی بر این دو حیطة متمرکز است. تحلیل‌های موافقان و مخالفان، تا اندازه‌ی زیادی بر تحلیل‌های کارشناسانه مبتنی است که ممکن است افراد کم‌سواد از آن چندان هم مطلع نباشند، لذا رابطه و یا احیاناً تفاوتی که در این پژوهش بین گروه شغلی راهنمایی و لیسانس در ابعاد نگرش اقتصادی و اجتماعی به‌دست آمد، شاید از سطوح تحلیل و یا استدلال (و یا هیچ یک از این دو و صرفاً بر مبنای شنیده‌ها و احساسات) دو گروه نشأت گرفته باشد. این احتمال نیز مطرح است که گروهی از تحصیل‌کردگان به‌طور نسبی (چرا که گروه‌های تحصیلی بالاتر از لیسانس، تفاوتی با گروه‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و... نداشته‌اند) بر مبنای درک صحیح‌تر محدودیت‌های آموزشی و پرورشی در مقطع کنونی، سعی نموده‌اند تا نگرشهای مثبت‌تری نسبت به گروه‌های تحصیلی پایین‌تر نسبت به مدارس غیرانتفاعی که حداقل در سطح نازل، ممکن است برخی از تنگناهای آموزشی و پرورشی را بر طرف نمایند، ابراز دارند. از طرفی دیگر، تحصیلات تا اندازه‌ای می‌تواند پایگاه اجتماعی، اقتصادی افراد را در جامعه تعیین کند. برای مثال براساس دیدگاه ارزش - انتظار نسبت به نگرشها، افراد نه تنها در شکل‌دهی نگرشهای خود به ارزش یک تصمیم یا رفتار یا نگرش، بلکه به تأثیرات و عواقب احتمالی آن نیز توجه می‌کنند. بنابراین افراد برحسب شرایط اقتصادی و اجتماعی خود تلاش می‌کنند تا شرایط و موقعیتهایی را برگزینند که بیشتر احتمال دارد به عواقب مطلوبی منجر شود و در عوض موقعیتهایی را طرد نمایند، که بیشتر احتمال دارد به تأثیرات و عواقب نامطلوبی منجر شود. این ادعا در تحقیقات گوناگون نظیر شاه و هیگینز (۱۹۹۷) به اثبات رسیده است. این ادعا به‌ویژه در مورد مدارس غیرانتفاعی که از شرایط و کیفیت آموزشی مطلوبی برخوردار هستند، صحت دارد. بنابراین براساس دیدگاهها و نظرات محققان متعدد نظیر وروایب و وگنر (۲۰۰۰) و الکساندر (۱۹۸۵) این امری منطقی است که گروه‌های تحصیلی متعدد که تا اندازه‌ای ممکن است پایگاه اجتماعی - اقتصادی متفاوتی را در سطح جامعه اشغال کرده باشند، دارای نگرشها، باورها، عقاید و دیدگاههای متعددی نسبت به امور مختلف و احیاناً مدارس غیرانتفاعی باشند.

ب - در مورد تفاوت نگرش گروههای درآمدی

شواهد ارائه شده در جدول ۶ نشان داد که بین نگرش طبقات درآمدی متفاوت نسبت به مدارس غیرانتفاعی در ابعاد پرورشی، اقتصادی و کلی تفاوت معناداری وجود دارد، اما در بعد آموزشی و اجتماعی تفاوتی مشاهده نشد. در جدول ۷، ۸ و ۹ نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که بین طبقه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان با طبقه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان در بعد نگرش پرورشی نسبت به مدارس غیرانتفاعی تفاوت وجود دارد. در واقع میانگین نگرش پرورشی جدول ۶ گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان نسبت به گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان منفی بوده است. در بعد اقتصادی تفاوت بین گروه درآمدی ۵۰ تا ۹۹ هزار تومان با ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان و ۲۵۰ تا ۲۹۹ هزار تومان و بین نگرش اقتصادی گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان و ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان تفاوت معناداری وجود داشت. در این بعد نیز گروههای درآمدی پایین‌تری نسبت به گروههای درآمدی بالاتر دارای نگرش منفی‌تری بودند. و بالاخره در نگرش کلی نیز بین گروه درآمدی ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان و ۲۰۰ تا ۲۴۹ هزار تومان تفاوت معنادار بود. در کل، گروه درآمدی پایین‌تر در بعد نگرش کلی نسبت به مدارس غیرانتفاعی دارای نگرش منفی بود. این یافته‌ها در مجموع نقش عنصر اقتصادی و به‌ویژه درآمد را در پیدایی نگرشها تأیید می‌کند. چنانکه پژوهشگران مختلف داخلی و خارجی نظیر قاسمی پویا (۱۳۸۰)، حاضری (۱۳۷۷)، بابانیا (۱۳۷۴)، حج‌فروش و وثوق (۱۳۷۴) و هادگی (۱۹۹۷)، لازمی‌بیلی و پنگتان (۲۰۰۳) و مورس و ستر (۲۰۰۱) ادعا کرده‌اند، بسیاری از مخالفان مدارس غیرانتفاعی دایماً در جای‌جای مصاحبه‌ها، پژوهش‌ها و... متذکر گشته‌اند، مدارس غیرانتفاعی به لحاظ دریافت شهریه که عنصری مربوط به درآمد خانواده‌هاست، چندان نظرات و نگرشهای مطلوبی را در بین آحاد جامعه پدید نیاورده‌اند. بنابراین تا اندازه‌ای هم به نظر می‌رسد که اقبال درآمدی پایین‌تر نسبت به اینکه شهریه‌های دریافتی این مدارس بی‌انصافی است، مدارس غیرانتفاعی مخصوص پولدارهاست و عدالت اجتماعی قربانی بی‌عدالتی در مدارس غیرانتفاعی می‌شود و امثال آن، نگرشهای کاملاً منفی داشته باشند. از طرفی دیگر وجود نظامهای حمایت مالی و شهریه‌ای در بسیاری از کشورها و در ایران برای اقبال کم‌توان مالی و کم‌درآمد خود می‌تواند گویای این حقیقت باشد که این تلاشها نیز علاوه بر حمایت

به نوعی در راستای کاهش نگرشهای منفی اقبال کم درآمد نسبت به مدارس غیردولتی (در خارج از ایران) و مدارس غیرانتفاعی (در داخل ایران) باشد. بنابراین همسو با محققان و نظریه پردازانی مانند وگنر (۱۹۹۲)، وگنر و وروایب (۱۹۹۸، ۱۹۹۵) شرایط فرهنگی و ساختار اجتماعی دو عامل عمده‌ای هستند (و طبعاً عنصر درآمد به‌ویژه در تعیین جایگاه افراد و خانواده‌ها در نظام اقتصادی - اجتماعی جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند) که باعث می‌شوند تا بین افراد گروههای اقتصادی - اجتماعی، در نگرش و باور و عقیده در مورد پدیده‌های پیرامونی در جامعه تفاوت وجود داشته باشد. از طرفی نیز بخشی از نگرشهای افراد بزرگسال نمودی از علایق شخصی آنهاست و در واقع پاسخی به موقعیت اجتماعی خاص هر فرد تلقی می‌شود. در این صورت براساس منافع و هزینه‌هایی که عاید اقبال مختلف از طرف ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و پرورشی می‌شود، در تغییر فرایندهایی نظیر خصوصی سازی نسبی نهادها و سازمانها، این احتمال وجود دارد، گروهی از افراد طبقات اجتماعی - اقتصادی بیشتر منتفع شوند (کوایزر، ۱۹۹۷). در مجموع شرایط درآمدی احتمال بهره‌گیری بیشتر از امکاناتی نظیر مدارس غیرانتفاعی را برای گروههای دارای درآمد بالاتر میسر می‌سازد، ولی همزمان گروههای دیگر را دچار محرومیت نسبی می‌سازد. همین امر می‌تواند تا اندازه‌ای تفاوت‌های نگرش در گروههای درآمدی را به وجود آورد.

ج - در مورد تفاوت نگرش گروههای شغلی

نتایج تحلیل مقایسه‌ای نگرشهای افراد جامعه برحسب طبقات شغلی پدران نشان داد که صرفاً در بعد اقتصادی بین گروههای شغلی (پدران) تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون توکی نیز نشان داد که گروه شغلی نظامی نسبت به گروه شغلی پزشک و دامپزشک نگرش منفی‌تری در بعد اقتصادی داشته‌اند. شواهد مربوط به تحلیل مقایسه‌ای نگرشها برحسب طبقات شغلی پدران نسبت به مدارس غیرانتفاعی به‌طور نسبی با نگرش‌هایی که گروههای درآمدی متفاوت ابزار کرده‌اند، همسو است. این همسویی تا اندازه‌ای منطقی به نظر می‌رسد، چرا که مبنای اصلی درآمد برای طبقات گوناگون نوع مشاغلی است که اشغال می‌کنند. در مجموع شغل هر فرد، تا اندازه‌ای انعکاسی از میزان تواناییها، مهارتها و پایگاه اقتصادی و اجتماعی او است. این مجموعه

در نهایت میزان درآمد فرد را تعیین می‌کنند. بنابراین اینکه گروه‌های شغلی نظیر نظامی نسبت به گروه شغلی پزشکی و دامپزشک که دارای نگرش منفی‌تری در بعد اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی بوده‌اند، باز هم مؤید تأثیر مؤلفه اقتصادی و به‌ویژه شغل (به‌طور نسبی) و درآمد بر نگرش آنها نسبت به مدارس غیرانتفاعی در میان افراد جامعه است. این مسأله ممکن است از احساس عدالت‌خواهی اجتماعی و اقتصادی طبقات کم‌درآمد نشأت بگیرد. چراکه با انجام مقایسه‌های ضمنی فرزندان خود و حتی خود با دیگران احساس بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی می‌کنند و در نهایت یکی از نمودهای این مسأله، به‌صورت نگرش منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی بروز می‌کند. در واقع مطابق تحقیقات متعدد نظیر آندورکا (۱۹۹۲) والستر و همکاران (۱۹۹۸) در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی این امکان مطرح است که گروه‌های درآمدی پایین‌تر به‌واسطه احساس نابرابری، در فضای ذهنی عدالت‌خواهی، دست به مقاومت‌هایی در برابر سیاست‌گذاری‌های متعدد بزنند. در واقع با وجود تفاوت‌هایی که به‌منظور مقابله با تغییرات نهادینه شده اجتماعی و غیره به چشم می‌خورد، یک نکته در میان افراد جوامع مختلف به‌خوبی نمایان است و آن اینکه آیا این تغییرات از طرف افراد جوامع به‌عنوان ساختاری بخشی اجتماعی و در جهت عادلانه تلقی می‌شود یا خیر؟ در مجموع به نظر می‌رسد که عنصر درآمد و احیاناً شغل و تحصیلات از عناصری هستند که موجب تفاوت در نگرش‌ها می‌شوند. به‌ویژه عنصر درآمد به‌عنوان یک مؤلفه اقتصادی به نظر می‌رسد که از اهمیت زیادی برخوردار باشد. چنانچه ضرورت گسترش و بهینه‌سازی نظام آموزش و پرورش و در واقع رفع تنگناهای آموزشی و پرورشی از طریق مدارس غیرانتفاعی مد نظر باشد توجه به شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی برای کاهش مقاومت‌های اقبال مختلف ضروری است. در این راستا در بسیاری از کشورها و از جمله در ایران طرح‌هایی به‌منظور کمک به افراد کم‌توان مالی و اقتصادی برای جذب آنها به مدارس غیرانتفاعی دارای عملکرد و امکانات مطلوب صورت گرفته و می‌گیرد، ولی با این حال، مطابق یافته‌های این پژوهش، توجه به این اقبال، می‌باید نظام‌دارتر، گسترده‌تر و دقیق‌تر صورت گیرد. اجرای راهکارهای مؤثر برای رفع تفاوت‌های نگرشی بین گروه‌های درآمدی، تحصیلی و شغلی متفاوت نیازمند برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت تا بلندمدت برای کاهش تأثیر این تفاوت‌هاست. برای مثال یکی از راهکارهای احتمالی

دنبال کردن جدی‌تر مسائل و مشکلات طبقات کم‌درآمد و متوسط با طرح‌های حمایتی نظیر رافع است که از آن طریق برای تأمین شهریه مدارس غیرانتفاعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم کمک‌هایی صورت می‌گیرد، تا بتوان حداقل در میان‌مدت جهت‌گیری نگرش‌های منفی و بازدارنده را در راستای واقعیت‌های موجود تغییر داد.

منابع

- بابانیا، زهره. (۱۳۷۴)، «مقایسه کیفیت آموزشی در مدارس راهنمایی تحصیلی غیرانتفاعی، دولتی و نمونه مردمی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- حاضری، علی محمد. (۱۳۷۷)، مدارس غیرانتفاعی و تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه در شهرستان یزد، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حج‌فروش، احمد و ایرج وثوق. «بررسی وضعیت مشاغل اولیای دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی کشور و میزان شهریه‌های دریافتی برای هر گروه شغلی (سال تحصیلی ۷۴ - ۷۳)»، فصلنامه فرهنگ مشارکت، بهار و تابستان ۱۳۷۴، شماره‌های ۳ و ۴، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- حیدری، غلامحسین. (۱۳۷۴)، «مدارس غیرانتفاعی نمی‌یامی»، فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره ششم، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۷۵)، «نقش مدارس غیرانتفاعی در بهبود کیفیت آموزش»، فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره هفتم، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- شریفی، فیروزه. «مدرسه غیرانتفاعی: انگیزه‌ها و عملکردها»، ماهنامه زنان، تهران، مردادماه ۱۳۷۱.
- صفوی، امان‌الله. (۱۳۶۸)، روند تکوینی و تطبیقی تعلیم و تربیت جهانی در قرن بیستم، چاپ دوم، تهران، انتشارات رشد.
- عمیدی، علی. (۱۳۷۸)، نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن، جلد اول، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۸۰)، مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت واحد انتشارات.

کفاش، حمیدرضا. (۱۳۷۶)، مقایسه وضعیت آموزشی و پرورشی مدارس غیرانتفاعی و مدارس دولتی شهر تهران، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان تهران.

گلایبی، سیاوش. (۱۳۸۰)، اصول و مبانی جامعه‌شناسی، چاپ دهم، تهران، نشر میترا.

گلپرو، محسن و حمیدرضا عریضی. «نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، تابستان ۱۳۸۳.

گلشن فومنی، محمدرسول. (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، نشر شیفته.

یزدان پناه، قاسم. «نگاهی دوباره به عملکرد مدارس غیرانتفاعی»، فصلنامه فرهنگ مشارکت، تابستان ۱۳۷۷، شماره ۱۶، تهران، وزارت آموزش و پرورش.

ADAM, J. (1996). Social cost of transformation in the Czech Republic. MOCT-MOST 6: 163-183.

ALEXANDER, J. C.(ed). (1985). Neofunctionalism. Sage, Beverly Hills.

ANDORKA, R. (1992). Die Wirtschaftlichen, gesellschaftlichen and politischen Transformations prozesse in ungarim im lichte dersozioologischen forschung in Thomas, M.(ed.). Abbruch und Aufbruch. sozialwissenschaften im Transformations prozess, Akademie-velag, Berlin, PP 201-220.

ANGEL, M.C., and RANDS, T. (1996). The world they have lost: An assessment of change in Eastern Europe. Social Research 63, 369-402.

BARON, R.A. & BYRNE, D. (2000). Social Psychology. ninth edition. massachusetts: Allyn & Bacon.

BLASCOVICH, J., ERAST, J.M., TOMAKA, J., KELSEY, R.M., SALOMON, K.L., & FAZIO, R.H. (1993). Attitude accessibility as a moderator of autonomic reactivity during decision making. Journal of personality and social psychology. 64, PP 65-176.

BONINGER, D.S., KROSNICK, J.A., & BERENT, M.K. (1995). Origins of attitude importance: self interest, social identification, and value relevance. Journal of Personality and social psychology. 68. PP 61-80.

BREHM, S., & KASSIN, S. (1996). Social psychology. Third edition houghton mifflin company.

- BREHM, S., & KASSIN, S. (1999). *Social psychology*. Fourth edition. houghton mifflin company.
- BRIGHOUSE, H. (2001). Reform the private schools. *New statement*. Jan 8. 2001, 14, 638. P 20.
- CLAYTON, S. (1992). Remedies for discrimination: Race, sex and affirmative action. *Behavioral science law*. 10. PP 245-257.
- CLAYTON, S. (1996). Reactions to social categorization: Evaluating one argument against affirmative action. *Journal of Applied social psychology*. 26, P 1472-1433.
- CORNIA, G. (1996). Public policy and welfare conditions during the transition: An overview. *moct-most 6*, PP a-17.
- ELSTER, J., OFFE, C., and PREUSS, U.K. (1998). *Institutional design in post-communist societies: Rebuliding the ship at sea*. Cambridge university press, cambridge.
- FAIRLY, R.W. (2002). Private school and latino flight from blak school children. *Demography: Now 2002*: 39, 4, PP 655-674.
- HARMON-JONES, E., BREHM, J.W., GREENBERG, J., SIMON, L., & NELSON, D.E. (1996). Evidence that production of aversive consequences is not necessary to create cognitive dissonance. *Journal of personality and social psychology*. 70, PP 5-16.
- HITT, M.A. and KEATS, B.W. (1984). Empirical identification of thee criteria for effective affirmative action programs. *Journal of applied Behavioral science*. 20, PP 203-222.
- HODGE, M. (1997). We need our public schools. *New statement: Now 14*, 1997, 10, 497. P 12.
- JING, L.I. (1999). *Social transformation and private education in china*. West port, Connecticut: pager.
- KENRICK, D.T., NEUBERG, S.L., CIALDINI, R.B. (1999). *Social psychology*. First edition allyen & bacon tania.
- KRAUS, S.J. (1995). Attitudes and the prediction of behavior: a meta-annalysis of the empirical literature. *Personality and Social psychology bulletin*. 21, PP 58-75.

- KRAVITZ, D.A. and PLATANIA, J. (1993). Attitudes and beliefs about affirmative action: Effects of target and of respondent sex and ethnicity. *Journal of applied psychology*. 78, 228-938.
- KROSICK, J.A., BETZ, A.L., JUSTIN, L.J., & LYNN, A.R. (1992). Subliminal conditioning of attitudes. *Personality and Social Psychology bulletin*. 18. PP 152-162.
- KROSNICK, J.A., BONINGER, D.S., CHAUNG, V.S., BERENTS, M., & CARNOT, C.G. (1993). Attitude Strength: On construct and many related constructs? *Journal of personality and Social psychology*. 65, PP 132-1151.
- LASSIBILLE, G., & PENG TAN, J. (2003). Student learning in public and private primary schools in Madagascar. *Economic Development and cultural change*. April 2003, 51, PP 99-717.
- MILLANOVIC, B. (1996). Income, inequality and poverty during the transition: A survey of evidence. *Moct-Most* 6, PP 131-147.
- MORSE WOOSTER, M. (2001). Variety in Christian schools. *The American Enterprise*. Sep 2001, 21, P 57.
- MURRELL, A.J., DIETZ-UHLER, B.L., DOVIDIO, J.F., GAERTNER, S.L., and DROUT, C. (1994). Aversive racism and resistance to affirmative action: perceptions of Justice are not necessarily color blind. *Basic Applied Social psychology* 15: PP 71-86.
- MYERS, D.H. (1993). *Social psychology*. Fourth edition. Mc Graw Hill book company.
- NACOSTE, R.W., and HUMMELS, B. (1994). Affirmative action and the behavior decision makers. *Journal of applied social psychology*. 24: PP 595-613.
- OECD. CENTER FOR THE CO-OPERATION WITH THE ECONOMIES IN TRANSITION. (1996). *Economic surveys 1995/96; The Czech republic*.
- PRISLIN, R., & OULLETTE, J. (1996). When it is embedded, it is potent: Effects of general attitude embeddedness on formation of specific attitudes and behavioral intentions. *personality and Social psychology bulletin*. 22, PP 845-861.

- QUAISSER, W. (1997). Strategiensätze und Ergebnisse des Übergangs der mittel- und osteuropäischen Länder zur Marktwirtschaft. Aus Politik und Zeitgeschichte, 44-45, PP 3-15.
- ROESE, N.J., & OLSON, J.M. (1994). Attitude importance as a function of repeated attitude expression. Journal of experimental Social psychology, 30, PP 39-51.
- ROMERO, A.A., AGNEW, C.R., & INSKO, C.A. (1996). The cognitive mediation hypothesis revisited. personality and social psychology bulletin, 22, PP 651-665.
- RUTEKOWSKI, J. (1997). Low wage employment in transitional economies of central and Eastern Europe. Moot-Most 7, PP 105-130.
- SHAH, J., & HIGGINS, E.T. (1997). Expectancy X value effects: Regulatory focus as determinant of magnitude and direction. Journal of personality and social psychology, 73, PP 447-458.
- SMITH, E.R., FAZIO, R.H., & CEJKA, M.A. (1996). Accessible attitudes influence categorization of multiply categorizable objects. Journal of personality and social psychology, 71, PP 888-898.
- SMITH, E.R., & KLUEGEL, J.R. (1984). Beliefs and attitudes about women's opportunity comparisons with beliefs about blacks and a general perspective. American journal of social psychology quarterly, 47, PP 81-95.
- TYLOR, S.E., PEPLAU, L.A. & CEARS, D.O. (2000). Social psychology. Tenth Edition. New Jersey: Prentice-Hall Inc.
- VERWIEBE, R., & WEGENER, R. (2000). Social Inequality and the perceived income justice gap. Journal of social justice Research, 13(2), PP 123-149.
- WEGENER, B. (1993). Gerechtigkeitsforschung und Legitimationsnormen. Zeitschrift für Soziologie 4, PP 269-283.
- WEGENER, B., & LIEBIG, S. (1995). Hierarchical and social closure conceptions of distributive social justice. In Kluegel, J.R., Mason, D.S., and Wegener, B. (eds), social justice and political change, public opinion in capitalist and post-communist states, Aldine de Gruyter, New York, PP 263-284.

WEGENER, B., and LIBIG, S. (1998). Gerechtigkeitsideologien 1991-1996. In meulerman H. (ed), werte und national Identitat im vereinten Deutschland, Lesks & budrich, opladen, PP 25-61.

ZUWERINK, J.R., & DEVINE, P.G. (1996). Attitude importance and resistance to persuasion: it's not just the thought that counts. Journal of personality and social psychology. 70, PP 931-944.

وصول: ۸۴/۱۰/۱

پذیرش: ۸۵/۲/۴

